

کتاب حجّی نبی

فرمان بنای هیکل

۱

در روز اوّل ماه ششم از سال دوّم داریوش پادشاه، کلام خداوند به واسطه حَجّی نبی و به زَرُبَابِل بن شَأَلْتِیئیل والی یهودا و به یَهُوشَع بن یَهُوَصَادِق رئیس گهّنه رسیده، گفت: ۲ یهوه صبایوت تکلم نموده، چنین می فرماید: این قوم می گویند وقت آمدن ما یعنی وقت بنا نمودن خانه خداوند نرسیده است. ۳ پس کلام خداوند به واسطه حَجّی نبی نازل شده، گفت: ۴ آیا وقت شماست که شما در خانه های مُسَقَف خود ساکن شوید و این خانه خراب بماند؟ ۵ پس حال یهوه صبایوت چنین می گوید دل خود را به راههای خویش مشغول سازید. ۶ بسیار کاشته اید و اندک حاصل می کنید. می خورید اما سیر نمی شوید و می نوشید لیکن سیراب نمی گردید. (رخت) می پوشید اما گرم نمی شوید و آنکه مُزد می گیرد، مُزد خویش را در کیسه سوراخدار می گذارد. ۷ پس یهوه صبایوت چنین می گوید: دل خود را به راههای خود مشغول سازید. ۸ به کوه برآمده و چوب آورده، خانه را بنا نمایید و خداوند می گوید: از آن راضی شده، جلال خواهم یافت. ۹ منتظر بسیار بودید و اینک کم شد و چون آن را به خانه آوردید من بر آن دمیدم. یهوه صبایوت می پرسد که سبب این چیست؟ سبب این است که خانه من خراب می ماند و هر کدام از شما به خانه خویش می شتابید. ۱۰ از این سبب، آسمانها باخاطر شما از شب نیم باز داشته می شود و زمین از محصولش بازداشته می گردد. ۱۱ و من بر زمین و بر کوهها و بر غله و عصیر انگور و روغن زیتون و بر هر آنچه زمین می رویاند و بر انسان و بهایم و تمامی مشقت های دستها خشکسالی را خواندم.

۱۲ آنگاه زَرُبَابِل بن شَأَلْتِیئیل و یَهُوشَع بن یَهُوَصَادِق رئیس گهّنه و تمامی بقیه قوم به قول یهوه خدای خود و به کلام حَجّی نبی چنانکه یهوه خدای ایشان او را فرستاده بود گوش دادند، و قوم از خداوند ترسیدند. ۱۳ و حَجّی، رسول خداوند، پیغام خداوند را برای قوم بیان کرده، گفت: خداوند می گوید که من با شما هستم. ۱۴ و خداوند روح زَرُبَابِل بن شَأَلْتِیئیل والی یهودا و روح یَهُوشَع بن یَهُوَصَادِق، رئیس گهّنه، و روح تمامی بقیه قوم را برانگیزانید تا بروند و در خانه یهوه صبایوت خدای خود به کار پردازند. ۱۵ در روز بیست و چهارم ماه ششم از سال دوّم داریوش پادشاه، این واقع شد.

جلال هیکل

۲

در روز بیست و یکم ماه هفتم، کلام خداوند بواسطه حَجّی نبی نازل شده، گفت: ۲ زَرُبَابِل بن شَأَلْتِیئیل والی یهودا و یَهُوشَع بن یَهُوَصَادِق رئیس گهّنه، و بقیه قوم را خطاب کرده، بگو: ۳ کیست در میان شما که باقی مانده و این خانه را در جلال نخستینش دیده باشد؟ پس الان در نظر شما چگونه می نماید؟ آیا در نظر شما ناچیز نمی نماید؟ ۴ اما الان خداوند می گوید: ای زَرُبَابِل قوی دل باش و ای یَهُوشَع بن یَهُوَصَادِق رئیس گهّنه قوی دل باش و ای تمامی قوم زمین قوی دل باشید و خداوند می فرماید که مشغول بشوید زیرا که من با شما هستم. قول یهوه صبایوت این است. ۵ بر حسب کلام آن عهدی که در حین بیرون آوردن شما از مصر با شما بستم و چونکه روح من در میان شما قائم می باشد، ترسان مباشید. ۶ زیرا که یهوه صبایوت چنین می گوید: يك دفعه دیگر و آن نیز بعد از اندک زمانی، آسمانها و زمین و دریا و خشکی

را متزلزل خواهم ساخت. ۷ و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت‌ها خواهند آمد و یهوه صبایوت می‌گوید که این خانه را از جلال پر خواهم ساخت. ۸ یهوه صبایوت می‌گوید: نقره از آن من و طلا از آن من است. ۹ یهوه صبایوت می‌گوید: جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیم‌تر خواهد بود و در این مکان، سلامتی را خواهم بخشید. قول یهوه صبایوت این است.

برکت خداوند

۱۰ در روز بیست و چهارم ماه نهم از سال دوّم داریوش، کلام خداوند بواسطه حَجّی نبی نازل شده، گفت: ۱۱ یهوه صبایوت چنین می‌گوید: از کاهنان درباره شریعت سؤال کن و بپرس. ۱۲ اگر کسی گوشت مقدّس را در دامن جامه خود بردارد و دامنش به نان یا آش یا شراب یا روغن یا به هر قسم خوراک دیگر برخورد، آیا آن مقدّس خواهد شد؟ و کاهنان جواب دادند که نی. ۱۳ پس حَجّی پرسید: اگر کسی که از میتی نجس شده باشد، یکی از اینها را لمس نماید، آیا آن نجس خواهد شد؟ و کاهنان در جواب گفتند که نجس خواهد شد. ۱۴ پس حَجّی تکلم نموده، گفت: خداوند می‌فرماید این قوم همچنین هستند و این امت به نظر من همچنین می‌باشند و همه اعمال دستهای ایشان چنین است و هر هدیه‌ای که در آنجا می‌برند نجس می‌باشد. ۱۵ و الاّن دل خود را مشغول سازید از این روز و قبل از این، پیش از آنکه سنگی برسنگی در هیکل خداوند گذاشته شود. ۱۶ در تمامی این ایام چون کسی به توده بیست (مَنْ) می‌آمد فقط ده (مَنْ) بود و چون کسی به میخانه می‌آمد تا پنجاه رطل از آن بکشند، فقط بیست رطل بود. ۱۷ و شما را و تمامی اعمال دستهای شما را به باد سموم و پیرقان و تگرگ زدم. لیکن خداوند می‌گوید بسوی من بازگشت ننمودید. ۱۸ الاّن دل خود را مشغول سازید از این روز به بعد، یعنی از روز بیست و چهارم ماه نهم، از روزی که بنیاد هیکل خداوند نهاده شد، دل خود را مشغول سازید. ۱۹ آیا تخم هنوز در انبار است و مَوّ و انجیر و انار و درخت زیتون هنوز میوه خود را نیاورده‌اند؟ از این روز برکت خواهم داد.

نگین خاتم

۲۰ و کلام خداوند بار دوّم در بیست و چهارم ماه بر حَجّی نازل شده، گفت: ۲۱ زَرُبَابِل والی یهودا را خطاب کرده، بگو: من آسمانها و زمین را متزلزل خواهم ساخت. ۲۲ و کرسی ممالک را واژگون خواهم نمود و قوّت ممالک امت‌ها را هلاک خواهم ساخت و اربابها و سواران آنها را سرنگون خواهم کرد و اسبها و سواران آنها به شمشیر یکدیگر خواهند افتاد. ۲۳ یهوه صبایوت می‌گوید: در آن روز ای بنده من زَرُبَابِل بن شَالْتِئِيل، تو را خواهم گرفت و خداوند می‌گوید که تو را مثل نگین خاتم خواهم ساخت زیرا که من تو را برگزیده‌ام. قول یهوه صبایوت این است.